



## The Methodical Criticism of Quranic History Studies with Emphasis on Structuralism Approach

Esmat Kazemi Moghadam Beidokhti \*

Received: 09/05/2023

Morteza Irvani Najafi \*\*

Accepted: 18/09/2023

BiBi Zeinab Hosseini\*\*\*

Aliyyeh Rezadad\*\*\*\*

### Abstract

authority of the Holy Quran, as the most important source of the Islamic religion, is to some extent related to the knowledge of the history of the Holy Quran. Since Various subjects have influenced on the intention of historians on the Selection for method of historical study. It have important damages in the realism of the propositions of the history of the Holy Qur'an, which needs to construction. Therefore, scientific criticism and methodical Criticism of these texts, considering its different types, has the necessity of research to determine the authority of the information. This research tries to identify the historian's historical, political, belief, motivation and presuppositions by using the structuralism approach and identifying the personal characteristics of the historian. The research results show that narrators such as; Zayd ibn Thabit , Ibn Shihab al-Zuhri , Sha'ba, Ibn Abī Dāwūd al-Sijistānī Dawud and Abu Ubaid al-Qasim bin Salam, have recorded the history of the Qur'an under the influence of political and religious motivations. Also, Sunni, Shia and Orientalist Quran scholars under the influence of various theological presuppositions such as: the justice of the Companions, the non-revelation of the Quran, proof of the frequency of the Quran, have attempted to write the history of the Quran.

**Keywords:** *Quranic history studies, structuralism approach, Criticism of Hadith, collection of the Qur'an.*

---

\* PhD student of Quran and Hadith Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. skazemi1414@mail.um.ac.ir

\*\* Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. irvani@um.ac.ir

\*\*\* Associate Professor of Theology Department, Farhangian University, Tehran, Iran. (Responsible Author) z.hosseini@cfu.ac.ir

\*\*\*\* Assistant Professor in Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran. a.rezadad@cfu.ac.ir



دانشگاه امام صادق علیه السلام



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۱، پیاپی ۳۳

پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۲۱۷-۲۴۶

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2023.244658.3784



20.1001.1.20083211.1402.17.1.9.8

## نقد روشی مطالعات تاریخ قرآن با تأکید بر رویکرد و ساخت‌گرایی

عصمت کاظمی مقدم بیدختی\*  
مرتضی ایروانی نجفی\*\*  
بی بی زینب حسینی\*\*\*  
علیه رضاداد\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۴ روز نزد نویسندگان بوده است.

### چکیده

اثبات اصالت و صحت متن قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام، تا حدودی با دانش تاریخ قرآن کریم مرتبط است. از آنجا که موضوعات مختلفی بر انگیزه مورخین در روش مطالعه تاریخی تأثیرگذار بوده و آسیب‌های مهمی در واقع‌گرایی گزاره‌های تاریخ جمع قرآن کریم ایجاد شده که رفع آن نیازمند به شناخت و ساخت‌گرایی مطالعات تاریخ قرآن است، لذا نقد علمی و آسیب‌شناسی روشی این متون، با توجه به گونه‌های مختلف آن برای تعیین میزان صحت اطلاعات، دارای ضرورت تحقیق است. به همین منظور این پژوهش تلاش دارد با استفاده از روش و ساخت‌گرایی و شناسایی ویژگی‌های شخصی مورخ، شرایط زمانی، سیاسی، اعتقادی، انگیزه و پیش‌فرض‌های مورخ را شناسایی کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که راویانی همچون؛ زید بن ثابت، ابن شهاب زهری، ابن شعبه، ابی داود سجستانی و ابو عبید قاسم بن سلام، تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی و دینی اقدام به ثبت تاریخ قرآن نموده‌اند. همچنین قرآن پژوهان اهل سنت، شیعه و مستشرقان، تحت تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی متنوعی مانند عدالت صحابه، عدم حیانت قرآن و اثبات تواتر قرآن اقدام به نگارش تاریخ قرآن کرده‌اند.

### واژگان کلیدی

مطالعات تاریخ قرآن، رویکرد و ساخت‌گرایی، نقد حدیث، جمع قرآن.

\* دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. skazemi1414@mail.um.ac.ir

\*\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. iravani@um.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) z.hosseini@cfu.ac.ir

\*\*\*\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.rezadad@cfu.ac.ir

مقاله مستخرج از رساله دکتری است.



## طرح مسئله

مطالعات تاریخ قرآن یکی از عمده‌ترین مباحث علوم قرآن و از مهم‌ترین موضوعاتی است که بر برخی مبانی مهم تفسیری، همچون حجیت ظواهر الفاظ قرآن کریم و اعتبار سیاق در تفسیر، تأثیرگذار است (میرزندی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۸۳). به همین جهت غالب فقهاء و مفسران، در آثار خود به این موضوع به صورت مختصر، یا مبسوط پرداخته‌اند. مطالعه سرگذشت این کتاب از روزی که از زبان پیامبر اکرم (ص) به عنوان کلام خداوند بیان شده تا عصر حاضر که از روی مصاحف در جوامع اسلامی تلاوت می‌شود، وظیفه دانش «تاریخ قرآن کریم» است. روشن است، مهم‌ترین چالش‌های تاریخ قرآن، مربوط به سده اول و دوم هجری و کیفیت جمع قرآن در این بازه زمانی است. زیرا بعد از این دوران، گزارش‌های متقن و نسخ خطی معتبر از قرآن کریم، وجود دارد (دروش، ۱۳۹۴ش، ص ۹۸).

منظور از واژه «مطالعات»، پژوهش‌هایی است که به انگیزه‌های مختلف با روش‌های معین پژوهشی، در سده اخیر در این حوزه تدوین و عرضه شده و از جهات مختلف دچار آسیب‌هایی است که نقد این متون و اصلاح آن را ضروری می‌سازد.

نقد، فرآیند اصلاح اطلاعات است. در صورتی که اطلاعات از طریق نقد، ارزشیابی و اصلاح نشود، بیم آن وجود دارد که در پاره‌ای اطلاعات دیگر نفوذ کند و دامنه اطلاعات نادرست را گسترش دهد (یثربی، ۱۳۸۳ش، صص ۲۶۹-۲۸۷؛ درودی، ۱۳۹۳ش، صص ۲۲۱-۲۳۴). هدف این پژوهش، نقد متون تاریخ قرآن از جهت انگیزه مورخ است که یکی از مهم‌ترین انواع آسیب‌های روشی در متون تاریخی می‌باشد.

در مطالعه انتقادی منابع تاریخ، باید به باورها، گرایش‌های اعتقادی، وابستگی‌ها و تمایلات سیاسی مورخ توجه شود. زیرا تمام موارد فوق در پیش‌فرض‌ها و انگیزه مورخ و نوع گزارش وی، از حقیقت تاریخی تأثیرگذار است (ملائی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۱). مطالعه انتقادی منابع نخستین تاریخی با این رویکرد، ساخت‌گرایی نام دارد. این روش مطالعه در دانش تاریخ قرآن نیز، به مثابه سایر موضوعات تاریخی، برای افزایش قطعیت، یک ضرورت پژوهشی است.

وظیفه نقد روشی مطالعات تاریخ قرآن، نقد و بررسی روش مؤلف در تولید نظریه‌های تاریخ قرآنی است. (پارسانیا، ۱۳۹۲ش، صص ۷-۲۸) این پژوهش در پی آن است تا به نقد روشی این مطالعات با تکیه بر پیش‌فرض‌ها و انگیزه مورخ (واساخت‌گرایی) بپردازد و مطالعات تاریخ قرآن را از این منظر نقد کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد:



۱. مطالعات قرآن بر مبنای واساخت‌گرایی، به چه شکل قابل طبقه‌بندی است؟
۲. ساخت‌گشایی (تبیین پیش‌فرض‌ها و انگیزه‌های مورخان) در کتب تاریخ قرآن به چه شکل قابل تبیین است؟
۳. چگونه می‌توان، تاریخ قرآن را به پدیدارشناسی امر واقع، نزدیک‌تر کرد؟

### پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این پژوهش باید گفت، اگر چه تا کنون پژوهشی درباره نقد روشی مطالعات تاریخ قرآن، با تاکید بر پیش‌فرض و انگیزه مورخ، سامان نیافته است، لیکن برخی قرآن پژوهان تلاشهای محدودی در جهت اصلاح روش‌های مطالعات تاریخ قرآن داشته‌اند؛ مانند:

مقاله «نقش زهری در روایات جمع قرآن» از محمد ناصح، مقاله «جمع قرآن» از هارالد موتسکی در نقد سندی روایات جمع قرآن که به مسأله حلقه مشترک راوی در اسناد روایات جمع قرآن (موتسکی، ۱۳۸۶ش، صص ۹۷-۱۲۶) و عدم وثاقت زهری پرداخته‌اند (ناصر، ۱۳۹۵ش ۵، صص ۱۶۷-۱۹۰) و کتاب «زید بن ثابت و نقش او در تاریخ نگارش قرآن» از زکی زاده که عدم وثاقت زید بن ثابت و تأثیرپذیری وی از یهودیان و بر نقش سیاسی او در این جمع تأکید کرده است (زکی زاده، ۱۳۹۸ش، ص ۳۱).

مقاله «جریان‌شناسی مطالعات تاریخ قرآن در غرب با رویکرد انتقادی به شکاکیت نوین» از سعید شفیعی خوزانی که در این پژوهش به به جایگاه نسخه‌شناسی، به عنوان مستندی ارزشمند در نقد مطالعات شکاکانه مسشرقان پرداخته است (شفیعی خوزانی، ۱۳۹۸، صص ۶۹-۹۳).

### روش تحقیق

«واساخت‌گرایی» نوعی خوانش متن است که در آن کوشیده می‌شود؛ پیش‌فرض‌های داخل یک متن کشف شود. در واساخت‌گرایی، فهم تاریخ مبتنی بر درک و بینش مورخ، از تاریخ است که برآمده از بافت اجتماعی، انگیزه و پیش‌فرض‌های او است (مکالا، ۱۳۸۷ش، ص ۴۳؛ رضوی، ۱۴۰۰ش، صص ۲۹-۵۳). مورخان واساخت‌گرا، به تأثیر انگیزه مورخ اولیه، در گزارش تاریخی باور دارند. بر اساس این رویکرد، تبیین و معنای تاریخی، از انگیزه مبتنی بر پیش‌فرض‌های

مورخ، تأثیر پذیرفته است. پیش فرض‌ها سبب به وجود آمدن انگیزه مورخ است و انگیزه، مورخ را به درک مؤثر از جهان خارجی رهنمون می‌گردد.

انگیزه در پس فعالیت مورخ، در پرسش‌هایی یافت می‌شود که مورخان از مدارک می‌پرسند و چنین نیست که همیشه انگیزه مورخ با منافع وی یکسان باشد، ولی گاه منافع نیز، بر انگیزه مورخ تأثیرگذار است. بنابراین در مطالعه و اساخت‌گرا، باید جهان ذهنی مورخ، شناسایی شود و مدارک تاریخی در برساختی جدید، ارزیابی گردد و یا حداقل ارزیابی آن به خواننده واگذار گردد (مانزلو، ۱۳۹۴ش، ص ۱۵۷-۱۶۴؛ مکالا، ۱۳۸۷ش، ص ۴۸). با توجه به این که این پژوهش به نقد روشی بر مبنای و اساخت‌گرایی (پیش فرض و انگیزه) اختصاص دارد، پس بهترین مبنای برای تقسیم بندی منابع تاریخ قرآن، همان رویکرد کشف انگیزه و پیش فرض‌های مؤرخان است.

### ۱. گونه‌های مطالعات تاریخ قرآن بر مبنای و اساخت‌گرایی

رویکرد مطالعه و اساخت‌گرا، در مطالعه منابع تاریخی، یک از کارآمدترین رویکردهاست. یعنی باید در مطالعه تاریخ، به تأثیر اندیشه‌ها، بر حوادث، رویدادها و انگیزه‌ها بر تبیین تاریخی مورخ توجه نمود و بر ساختارهای اعتقادی و چگونگی اندیشیدن مردم، در دوره‌های مختلف توجه داشت (شکوری، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱۹؛ بلک، ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۲). بر مبنای رویکرد و اساخت‌گرایی، منابع تاریخ قرآن را می‌توان به چهارگونه قابل تقسیم دانست:

**اول:** روایات جمع قرآن کریم، که به نوعی گزارش روایی از تاریخ قرآن کریم است، که در کتاب‌هایی نظیر المصاحف ابن ابی داود سجستانی و یا فضائل القرآن ابو عبید قاسم بن سلام، وجود دارد. عمده‌ترین مستندات کتب تاریخ قرآن به همین دو منبع است و از جهت تاریخی، قدیمی‌ترین منابع در این حیطه به شمار می‌آید؛ در این دو منبع مهم، پیش فرض‌ها و انگیزه‌های مشترکی وجود دارد که بدان پرداخته خواهد شد.

**دوم:** مطالعات تاریخ قرآن مستشرقان و به صورت مشخص آثار افرادی چون تئودور نولدکه، شوالی، ریچارد بل، جان برتن... که با پیش فرض غیر وحیانی بودن قرآن کریم و انگیزه تضعیف مبانی اسلام، نوشته شده است.

**سوم:** مطالعات تاریخ قرآن شیعه و اهل سنت که در پاسخ به شبهات نولدکه و برخی مستشرقان دیگر و با پیش فرض وحیانی و قطعی بودن نص قرآن کریم و با انگیزه دفاع از قرآن، نوشته شده است. مانند: تاریخ قرآن آیت الله معرفت، دکتر محمود رامیار، و عبدالصبور شاهین.

گونه‌های مذکور، از جهت محتوا، هدف و روش، با یکدیگر متفاوتند و آسیب‌های متنوعی، از جهت روش مطالعه تاریخی، در موارد این مطالعات قابل طرح است که بررسی آن سبب تصحیح اطلاعات نادرست و یا افزایش صحت و اعتبار تاریخ قرآن می‌گردد.

## ۲. ساخت‌گشایی گونه‌های مطالعات تاریخ قرآن

مورخ، در مطالعه تاریخ خود باید در پی شناخت حقیقت تاریخی باشد و تلاش نماید، از پیش فرض‌ها تأثیر نپذیرد (هیرشلد، ۱۳۹۵ش، ص ۱۱۱). اگر مورخ با انگیزه‌هایی جز پدیدارشناسی رویداد تاریخی و یا تحت تأثیر پیش‌فرض، به تبیین و تحلیل تاریخی اقدام کرده باشد، اثر وی از جهت انطباق بینش تاریخی با واقعیت و عینیت، قابل نقد است و چه بسا، بینش وی نادرست باشد (مهرابی، ۱۳۹۷ش، ص ۳۱۹). در مطالعه تاریخ قرآن این مسأله مهم‌ترین و اساسی‌ترین آسیب به شمار می‌آید، زیرا نقطه شروع تحقیقات تاریخ قرآن به شمار می‌آید و مطالعات بسیار محدودی در مطالعه تاریخ قرآن، پایبند به این اصل هستند.

### ۱-۲. ساخت‌گشایی گونه اول؛ منابع روایی

گونه نخست از منابع تاریخ قرآن، منابع روایی است و با توجه به پیش‌فرض‌ها و انگیزه مورخ در چهار گروه قابل ساخت‌گشایی است.

#### ۱-۱-۲. روایات زید بن ثابت

اولین گزارش‌گر از جلسات تصمیم‌گیری برای جمع قرآن توسط ابوبکر و عثمان، زید بن ثابت است (ابن ابی‌داود، ۲۰۰۲م، ص ۵۲): «أَنَّ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ حَدَّثَنُ» یعنی تنها شاهد و حاضر در بسیاری از روایات جمع ابوبکر و عثمان زید بن ثابت است. ساخت‌گشایی پیش‌فرض و انگیزه زید بن ثابت در بیان واقعه تاریخی جمع قرآن امری ضروری است. تبیین موضوعاتی مانند آنچه در نقد بررسی روایات زید بن ثابت و انگیزه و پیش‌فرض وی در نقل روایات جمع، حائز اهمیت است، گرایش فکری و دینی خاص اوست.

زید بن ثابت به جهت همزیستی‌اش با یهودیان (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۶)، متأثر از تفکر فقهی و دینی یهودیان فریسیانی، همچون کعب الاحبار بوده که قائل به رأی بوده‌اند، می‌باشد (نجار، ۲۰۱۳م، ص ۱۲۱). زیرا موهای خود را همچون جوانان یهودی از دو طرف می‌بافته: «لِزَيْدِ

دُوَابْتَانِ» (ابن ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۷۶)، در منطقه یهودی نشین، ساکن بوده است (نجار، ۲۰۱۳، ص ۱۲۱)، کتاب‌های او، اطلاعاتش از زبان عبری و سریانی، انتقاد شدید ابن مسعود به او، همچنین ناصبی بودنش (مامقانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۱؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۶۳؛ زکی زاده، ۱۳۹۸ش، ص ۳۱) اعتماد به گزارش وی را کاهش داده و احتمال تحریف گزاره‌های تاریخی را افزایش می‌دهد: «زید بن ثابت، کان عثمانیًا یحرض علی سبِّ أمير المؤمنين (ع)».

همچنین باید به موضوع حضور زید بن ثابت، در زمره طرفداران عمر بن خطاب و هم فکری‌اش با روش حکمرانی وی توجه داشت (ابن ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۵۲): «إِنَّكَ شَابٌّ... لَا تَنْهَمُكَ». عمر بن خطاب قائل به عدم حجیت سنت نبوی و اندیشه قرآن بسندگی بود (بخاری، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴). هدف اصلی در جمع ابوبکر که با پیشنهاد عمر بن خطاب رخ داد: «فلم یزل و لا یزال یراجعی عمر»؛ تجرید مصاحف از نصوص فقهی بود. او پیوسته می‌گفت: «جردو القرآن؛ اقلوا الروایة عن النبی و انا شریککم فی ثوابه» (ابن عبدالبر، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۱۲۱).

توجه به این مسائل بنیادی نشان می‌دهد، پذیرش شاهدان برای ثبت آیات در قرآن تنها بهانه‌ای برای هدف بسیار مهم جمع آوری مصاحف مشتمل بر سنت نبوی، از دست صحابه بوده است، و شهادت شاهد، فقط صورت ماجرا و بهانه‌ای برای سرگرم کردن افکار عمومی است. این اقدام در نزد این طیف، مصلحت‌آهمی است که فریب افکار عمومی برای گردآوردن مصحف واحد از سنت نبوی و یا قرآن را توجیه می‌کند.

بنابراین شخصی همچون زید بن ثابت که با اقدامات خلفا در جمع قرآن هم نظر است و ابوبکر و عمر وی را تأیید می‌کنند انتخاب می‌گردد (ابن ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۵۲). طبیعی است در چنین فرایندی از امام علی (ع)، حسنین (ع)، ابوذر، ... که نگرش متفاوتی داشته‌اند، استفاده نشود. «ابوذر گفت: ای عثمان اولین نباش که کتاب خدا را می‌سوزانی، که اولین کسی خواهی بود که خونت ریخته خواهد شد» (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۳) چون این طیف به حجیت سنت نبوی و لزوم تبعیت از آن و عدم جواز تجرید مصاحف، از آن باور داشته‌اند. به همین جهت امام علی (ع) قرآنی فراهم می‌کند که همه احکام مورد نیاز بشر حتی دیه خراش در آن ثبت شده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۶).

زید بن ثابت، به دشمنی‌اش با امام علی (ع) مشهور است (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۹، ص ۱۳۱). روشن است با توجه به سیره امام علی (ع)، این دشمنی یک دشمنی شخصی و ناشی

از حسادت و غیر آن نیست، بلکه این تقابل مربوط به اختلاف آشکار نسبت به موضوعات بنیادینی چون حجیت یا عدم حجیت سنت نبوی و مسأله قرآن بسندگی است. در روایتی از امام باقر (ع) آمده است: «حکم دو حکم است: حکم خدا و حکم جاهلیت و خداوند فرموده است: چه حکمی بهتر از حکم خداوند برای خداپوران است». امام باقر (ع)، شهادت داد که زید بن ثابت کسی بود که بر مبنای حکم جاهلیت حکم می‌کرد: «قال الباقر (ع): أشهد علی زید بن ثابت لقد حکم فی الفرائض بحکم الجاهلیة» (استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۹۰). «لقد حکم برأیه، اتباعا لعمر و خلافا لعلی (ع)» این نکته تفاوت مبنای فقهی او با جریان سنت‌باوری امام علی (ع) را اثبات می‌کند.

باید توجه داشت، سخن زید بن ثابت در مسأله جمع قرآن با روایات متعدد دیگر ابن سعد، مبنی بر جمع قرآن در زمان رسول خدا (ص) و بسیاری قرائن دیگر، منافات دارد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱). در مطالعه و ارزیابی روایات جمع قرآن، نباید به پیشفرض‌ها و انگیزه مورخ، بی‌اعتنا بود. این در حالی است که قرآن پژوهان شیعه و اهل سنت، روایات تاریخی وی را بدون ساخت‌گشایی قبول کرده‌اند (شاهین، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۵). در حالی که مستشرقان به انگیزه او توجه داشته‌اند و گفته‌اند: «جایگاه زید بن ثابت، در تعیین آنچه نباید نوشته شود، قابل ملاحظه است» (رینولدز، ۲۰۱۲م، ص ۱۳۴). ولی غالب شیعیان و اهل سنت، در کتب تاریخ قرآن، به این موضوع توجه نکرده‌اند. تنها برخی انتخاب وی به عنوان رئیس کمیته تدوین قرآن، امری سیاسی دانسته‌اند (عسگری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۳؛ رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۳۱۷).

## ۲-۱-۲. روایات ابن شهاب زهری

حلقه مشترک روایات جمع قرآن توسط ابوبکر و عثمان، محمد بن شهاب زهری است (موتسکی، ۱۳۸۶ش، صص ۹۷-۱۲۶). او در خدمت امویان بوده است (جسوس، ۱۴۱۶ق، صص ۱۵-۵۰؛ شرباصی، ۱۳۷۴ق، صص ۶۶۹-۶۷۵). او در دوران حکومت عبدالملک بن مروان تا هشام بن عبدالملک، ارتباط نزدیکی با دربار داشت، در این دوران مناصب مهمی مانند: قضاوت، جمع‌آوری مالیات و ریاست شرطه را بر عهده داشت (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۴۱). وی انگیزه کافی را برای تحریف حقائق تاریخی به ویژه انگیزه جمع‌های قرآن و توجیه اقدامات عثمان بن عفان داشته است (غیب هرساوی، ۱۴۲۲ق، صص ۱۷۹-۲۳۰؛ ناصح، ۱۳۹۵ش ۵، صص ۱۶۷-۱۹۰) و در نزد غالب رجالیون شیعه تضعیف شده است. برخی از رجالیون



شیعه که به راویان اهل سنت آشنا ترند، او را دشمن [عدو] خوانده‌اند که شاید بتوان آن را در زمره شدیدترین الفاظ تضعیف به شمار آورد (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۲۵۰).

اینکه ابن شهاب زهری، حلقه مشترک بسیاری روایات سیره و تاریخ اسلام و روایات جمع قرآن است (پارسا، ۱۳۹۰ش، ص ۱۳۰) نیز نشان‌گر اهمیت انگیزه مورخ و نقل جانبدارانه وی از تاریخ است. ابن شهاب زهری، در نقل‌های تاریخی خود، بسیار از اقدامات نادرست خلفاء ثلاثه و حکام اموی همچون یزید و یا اقدامات عائشه را توجیه کرده است ابن شهاب زهری حلقه مشترک روایات متعددی است که سبب نزول سوره عبس را پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۵۰۲). روایاتی که در ایجاد دشمنی بین عائشه و امام علی (ع)، امام علی (ع) را به جهت موضع‌گیری‌اش در مسأله افک و تشویق پیامبر اکرم (ص) به طلاق، مقصر معرفی می‌کند (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۶). یا با نسبت دادن شرب خمر به بنی هاشم، شرابخواری یزید را توجیه نماید (حلی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۵۵۷).

### ۲-۱-۳. شعبه بن حجاج

حلقه مشترک روایاتی که این اقدام عثمان را مورد تأیید همه صحابه به ویژه امام علی (ع) معرفی می‌کند، در شعبه بن حجاج (م ۱۶۰) تفرد سندی دارد (ابن ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۶۶). شعبه بن حجاج از مشایخ حدیثی و از صحابه امام صادق (ع) است. برخی او را بتری دانسته‌اند. لیکن رجالیون شیعه او را ضعیف می‌دانند: «اهل الفتوی و ذلك كاف فی ضعفه» (مامقانی، بی تا، ج ۲، ص ۸۵) در زمان شعبه، ابان بن ابی عیاش، به قرائت عمومی مسلمانان از قرآن اعتراض کرد و ادعا کرد، قرآن جمع شده توسط عثمان، قرآنی محرّف است. مثلاً مدعی حجیم بیشتر سوره‌ها بود: «إِنَّ الْأَحْزَابَ كَانَتْ تَعْدِلُ سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَ التَّوْرَةَ» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۵۹).

شعبه برای پایان دادن به دعوی قدیمی شیعه و اهل سنت بر سر کتاب علی (ع) به جای فهم دقیق منشأ اختلاف نظر، دو ادعا مطرح کرد، که تنها توسط وی در تاریخ ادعا شده و کسی جز او چنین ادعایی نکرده است و پس از او به عنوان اصلی قطعی و مسلم و غیرقابل تردید تلقی شده است.

**نخست:** اینکه قرائت ابو عبدالرحمن سلمی، تنها از امام علی (ع) است و او قرائتش را از کس دیگری نگرفته است. در حالی که روایات پیش از او چنین حصری را نشان نمی‌دهد. در



طبقات ابن سعد چنین آمده است؛ «أبو عبد الرحمن السلمي و اسمه عبد الله بن حبيب روى عن علي و عبد الله و عثمان و قال شعبة لم يسمع أبو عبد الرحمن السلمي من عثمان ولكن سمع من علي» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۷۱). ادعای حصر قرائت سلمی در امام علی (ع) توسط شعبة، با این که هیچ شاهد تاریخی بر این موضوع وجود ندارد به گفته محقق معاصر، برای ساکت کردن شیعیان معترض بوده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۰ش، صص ۴۱-۷۸).

**دوم؛** این که امام علی (ع) گفته است که اگر او به جای عثمان بود، همین اقدام عثمان را انجام می داد و کسی از صحابه با قرآن سوزی عثمان مخالف نبوده است و تحریق مصاحف عثمان مورد تأیید بزرگان صحابه بوده است: «أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ ... قَالَ عَلِيُّ فِي الْمَصَاحِفِ: «لَوْ لَمْ يَصْنَعُهُ عُثْمَانُ لَصَنَعْتُهُ» (ابن ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۶۷).

افزون بر اینکه روایات وی با روایات معتبر و متعدد و شواهد تاریخی متناقض است، سند این روایات در نام شعبة تفرد دارد. سخن شعبة مربوط به یک منازعه تاریخی در قرن دوم هجری با ابان بن ابی عیاش است. او بر این باور بود که اگر او بول حیوان را بخورد یا زنا کند، بهتر است از نقل روایات ابان بن ابی عیاش (جرجانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۸۱). اگرچه شعبة راوی خوشنام و ثقه در نزد اهل سنت است، ولی به هر روی به سه دلیل دلایل کافی برای عدم اعتماد به گزارش او وجود دارد: نخست: تفرد سند این روایات در وی، دوم: وجود روایات متعارض بسیار و سوم: وجود انگیزه کافی برای گزارش جانبدارانه او، به دلیل باورش بر ولایت خلفاء ثلاثه.

پرسشی که پژوهشگر باید در چنین موارد داشته باشد، به چه دلیل این روایات توسط راویان دیگر نقل نشده است؟ نمی توان به دلیل تفرد و حلقه مشترک ابن شهاب زهری و یا شعبة، این روایات را جعلی دانست. بلکه باید گفت، به جز افراد مورد تأیید طبقه حاکم، دیگران حق بیان گزارش رسمی در چنین مواردی را نداشته اند. در تاریخ نگاری حکومت اموی و یا عباسی، آگاهی سیاسی، از مصلحت دولت و نظم عمومی تجاوز نمی کرد (مهرابی، ۱۳۹۷ش، ص ۹۸؛ زین العابدینی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴۹).

جستجوی شواهد و مستندات از منابع تاریخی و حدیثی نکات مهمی را نشان می دهد؛ از جمله این که این اقدامات مورد تأیید بسیاری از صحابه نبوده است. به ویژه در مورد عثمان بن عفان، اقدامات وی در جمع و احراق مصاحف، یکی از مهم ترین دلایل اعتراضات جامعه قاریان به وی بوده است. بنابر تصریح قاریان، در واقعه صفین، او به خاطر همین اقدامات، توسط گروهی

از ایشان که بر مبنای رأی و اجتهاد خود عمل می‌کردند، با اعدام مجازات شد (هیکل، ۲۰۱۳م، ص ۹۳). روشن است بیان چنین موضوعی و باز شدن ابعاد این رویداد با منافع حکومتی که گرایش عثمانی مهم‌ترین جهت‌گیری سیاسی آن است، منافات دارد (هدایت‌پناه، ۱۳۸۸ش، ص ۳۰).

پس باید توجه داشت، ابن شهاب زهری، خادم حکومت امویان است «کان من من عمال الدولة الامویة» (شبستری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۹۲). زمامدار، یا فردی در دستگاه حکومتی، نمیتواند خارج از چهارچوب فرهنگی خود عمل کند. هر فردی مجبور است در چهارچوب فرهنگی جامعه‌اش عمل کند (پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۳ش، ص ۳۲۰) در نظام ایدئولوژی حکومت اموی، خلفاء ثلاثه عادل بودند و باب هرگونه اعتراضی بر ایشان به ویژه عثمان بن عفان مسدود بود. گرایش سیاسی حکومت اموی، گرایش عثمانی بود و شاخص گرایش عثمانی، حبّ خلفاء ثلاثه و بغض امام علی(ع) بوده است (هدایت‌پناه، ۱۳۸۸ش، ص ۳۰). بنابراین باید این نوع گزارش‌ها ساخت‌گشایی گردد.

## ۲-۱-۴. کتب روایی نظیر المصاحف

نویسندگان نخستین و مهم‌ترین منابع تاریخ قرآن، ابن ابی داود سجستانی (م ۳۳۶) و ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴) هستند که هر دو سنی متعصب و عثمانی بوده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۷۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۴۷۱-۴۷۲)

عبدالله بن سلیمان بن الاشعث یا همان ابن ابی داود سجستانی نویسنده کتاب المصاحف است. وی در اصبهان به ناصبی بودن شهرت داشت، ولی وقتی به بغداد رفت، خود را محبّ امام علی(ع) معرفی کرد و گفت من همه را می‌بخشم، جز آنان که من را متهم به نصب کرده‌اند. یا روایتی را نقل می‌کند که پیامبر خدا(ص) فرمود: یا علی هر کس گمان کند که من را دوست دارد و علی(ع) را دشمن می‌دارد، خطا کرده است. پدرش، [صاحب کتاب سنن] گفته است این پسر قطعاً دروغگو است: «هذا ابني هو كذاب».

در هر صورت محدثان او را کثیرالخطا و غیر موثق دانسته‌اند. درباره او گفته‌اند: به روایات او باید به دیده شک نگریست. برخی تصور کرده‌اند او درباره امام علی(ع) تغییر نظر داده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۹، ص ۸۵) در حالی که به نظر می‌رسد او برای تأیید اقدام قرآن سوزی عثمان توسط امام علی(ع) در کتاب راهبردی و مهمّش، نیاز به این تغییر خط آشکار، در فضای

سیاسی عراق در قرن چهارم هجری، داشته است. باید توجه داشت که علویان با وی دشمن بوده‌اند.

بنابراین باور کردن تغییر مذهب وی مورد تردید است. از این جهت، به روایت فرد عثمانی و ناصبی در چنین شرایطی، نمی‌توان اطمینان کرد. در حالی که در پذیرش نقل تاریخی، به وثاقت و امانت‌داری مورخ، باید توجه داشت (مهرابی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۲). طبیعی است مورخ ناصبی، اطلاعاتی را که با پیش‌فرض‌های کلامی مانند: عدالت صحابه ناسازگار باشد، مطرح نمی‌کند و یا به گونه‌ای سازگار با منافع و مصالح طبقه حاکم، توجیه می‌نماید (بلک، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸). به ویژه در تاریخ اسلام، که درباری نویسی شیوه اولیه، رسمی و مورد قبول بوده است (زین العابدینی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴۹).

کتاب *فضائل القرآن*، نوشته قاسم بن سلام هروی از دی الخزاعی است که پدرش برده‌ای رومی از اهل هرات بود (قفطی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۲). کنیه‌اش ابو عبید است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۵۵؛ ابن حبان، ۱۹۷۵م، ج ۹، ص ۱۷). هجده سال در طرطوس، عهده دار امر قضاوت بوده و در حکومت عباسی، خدمت می‌کرده است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۲۵). وی هر کتابی که می‌نوشت به عبدالله بن طاهر هدیه می‌داد و او نیز ماهانه ده هزار درهم به وی پرداخت می‌کرد (صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۹۳). عبدالله بن طاهر (م ۲۳۰ق) فرزند طاهر بن حسین، سومین امیر طاهری و از سرداران ایرانی تبار مأمون عباسی بود. وی نخست با سرکوب شورشیان در شام و مصر، قدرت مأمون را در آن نواحی تثبیت و در دوره مأمون و حتی معتصم، یکی از مقتدرترین شخصیت‌های سیاسی و نظامی پس از خلیفه بود (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۳).

روشن است که این کتاب، در خدمت اهداف و سیاست‌های حکام عباسی نوشته می‌شد و سیاست حکومت عباسی، از جهت دینی، ادامه دهنده سیاست و نگرش دینی امویان بود. بنابراین بی‌تردید، وقتی قاسم بن سلام، برای آثارش، از حکام طاهری که خدمتگزار عباسیان بوده‌اند، دستمزد دریافت می‌کرده است، نمی‌توان او را یک مورخ بدون پیش‌فرض یا فاقد انگیزه مؤثر دانست. با این مقدمات می‌توان تاریخ او را نوعی درباری نویسی به شمار آورد و او تاریخ را آن طور که حکام عباسی اجازه می‌دادند، روایت کرده است. او را در زمره کسانی برشمرده‌اند که پس از رسول خدا (ص) بر اعتقاد به سنت پایبند مانده‌اند و معتقد به افضلیت عثمان بر علی (ع) بوده‌اند (احمد بن فارس، ۲۰۰۶م، ص ۴۱).

مطالعه کتاب‌های المصاحف یا فضائل القرآن به روشنی جهت‌گیری سیاسی و دینی نویسندگان این کتب را نشان می‌دهد. مثلاً اینکه ابن‌ابی داود با گرایش عثمانی و مشهور به دشمنی‌اش با امام علی (ع) (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۴۷۱) برای اثبات مشروعیت اقدام قرآن سوزی عثمان، به روایات منقول از امام علی (ع) و امام سجاد (ع) از طریق شعبه استناد می‌کند، روشن است برای اقلان شیعیان معترض معاصر وی به اقدام قرآن‌سوزی عثمان بیان شده است. او در کتابش چنین روایت می‌کند: «از علی (ع) شنیدم که می‌گفت: ای مردم در اعتراض به عثمان زیاده روی نکنید، اقدام او در سوزاندن مصاحف، با موافقت همه صحابه انجام گرفت: «قَوْلَ اللَّهِ مَا فَعَلَ الَّذِي فَعَلَ فِي الْمَصَاحِفِ إِلَّا عَنْ مَلَأٍ مِّنَّا جَمِيعًا» (ابن‌ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۶۷).

اینکه کتاب المصاحف با ذکر مظلومیت عثمان آغاز می‌شود (ص ۳۳) و با طرح مسأله فضیلت اولین جامع قرآن برای ابوبکر آن هم از زبان امام علی (ع) (ص ۴۹) و با توجیه خانه‌نشینی امام علی (ع) به خاطر جمع قرآن و بیعت او با ابوبکر «أَكْرَهْتَ إِمَارَتِي يَا أَبَا الْحُسَيْنِ؟ قَالَ: «لَا وَاللَّهِ» (ص ۵۹) و قرآن سوزی عثمان برای رفع اختلاف قراءات، بحث جمع قرآن شروع می‌شود «وَاحْتَلَفُوا فِي الْقُرْآنِ» (ص ۶۶) و با وصف اختلاف مصاحف صحابه (ص ۱۰۱-۲۸۰) و احکام آن و لزوم رعایت حرمت مصاحف ادامه پیدا می‌کند (ص ۲۸۵-۴۶۵) و در نهایت با این روایت، تمام می‌شود که: اگر به مصاحف نیازی نبود، سوزاندن آن گناهی ندارد، زیرا آب و آتش دو مخلوق از مخلوقات خداوند است: «أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَرَى بَأْسًا أَنْ يَحْرِقَ الْكُتُبَ وَ قَالَ: إِنَّمَا الْمَاءُ وَ النَّارُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى».

دقت در ساختار و محتوای این کتاب، تناقض آشکاری را نشان می‌دهد؛ زیرا در این کتاب روایت لزوم رعایت حرمت قرآن را در فصل احکام مصاحف بیان می‌کند. مثلاً؛ اینکه حتی گذاشتن قرآن بر زمین گناه دارد: «وضع المصحف على الارض» (ابن‌ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۴۴۸) ناگهان با چرخشی کامل، در بابی با عنوان «حرق المصحف اذا استغنى عنه» سوزاندن کتب را در صورت بی‌نیازی از آن، گناه نمی‌داند (ص ۴۶۶). روشن است که جواز چنین وهنی برای قرآن، تنها به مستند اقدام عثمان بن عفان است، اگر نه هر صاحب خردی سوزاندن قرآن را حتی در صورت عدم نیاز، بی‌حرمتی آشکار به قرآن بر می‌شمارد. چنانچه مسلمانان اقدام عثمان را توهین به قرآن به شمار آوردند. هنگامی که عثمان از دلیل خشم مردم برخود پرسید و مردم پاسخ دادند، چون کتاب خدا را سوزاندی: «قال لماذا نقمتم علي؟ قالوا أحرقت كتاب الله».

نویسندگان کتب تاریخ قرآن شیعه و اهل سنت، متأثر از بینش تاریخی این راویان، اقدام عثمان در احراق مصاحف را اقدامی صحیح و مورد توافق همه مسلمان و کار او را به خاطر مصلحت اهمّ موجه دانسته‌اند (محیسن، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴۶؛ صالح عطیه، ۲۰۰۱م، ص ۳۹؛ تقوی، ۱۳۶۸ش، ص ۵۷).

تحلیل صحیح روایات جمع قرآن و شناخت ماهیت اقدامات عمر بن خطاب، عثمان به عفان از سویی و اقدامات امام علی (ع) از سوی دیگر، نیازمند ساخت‌گشایی نگرش راویان روایات جمع قرآن به قرآن و سنت نبوی است. در صورتی که این بینش تحت تأثیر پیش‌فرض کلامی و گرایش سیاسی باشد، روشن است نمی‌توان به فهم صحیحی از ماهیت این اقدامات دست یافت. فهم دلیل دغدغه عمر بن خطاب بر تجرید مصاحف و یا دغدغه امام علی (ع) برای کتابت قرآن کامل مشتمل بر همه احکام مورد نیاز مردم نیازمند شناخت بینش این دو طیف، در مورد حجیت یا عدم حجیت سنت نبوی و اندیشه قرآن‌بسندگی است (علوی، ۱۴۰۱ش، صص ۱۴۹-۱۷۲). همچنین اگر پیش‌فرض عدالت عثمان بن عفان مقدمه مطالعه روایات احراق مصاحف قرار گیرد، قطعاً باید اقدام وی از نظر شرعی توجیه گردد. مانند توجیهی که ارائه شد و آن احراق مصاحف برای رفع اختلاف قراءات تلقی شد (محامی، ۲۰۰۹م، ص ۷۱)، ولی اگر عدالت صحابه، در این تحلیل به عنوان پیش‌فرض قرار نگیرد، اقدام عثمان، کاری خلاف شرع، برای اهدافی مشخص و از پیش تعیین شده در ارتباط با سایر اقدامات وی تبیین خواهد شد که نه تنها مورد تأیید صحابه نبوده، بلکه از جانب بسیاری از صحابه تقبیح شده و او ممکن است به خاطر این اقدام مجازات نیز شده باشد. حتی در شکلی که بتوان، اقدام وی را از نظر شرعی موجه و قابل قبول دانست، قطعاً، بخشی از صحابه که رویکرد موافقی با عثمان نداشتند، با اقدام وی، به مخالفت کرده‌اند. چگونه ممکن است، اقدام وی را امری مورد تأیید همه صحابه دانست، در حالی که بخشی از همین سران صحابه، در صحنه قتل وی حضور فعال داشته‌اند (علوی، ۱۴۰۲، صص ۱۴۹-۱۷۲).

بررسی روایات و منابع جمع قرآن در سده اول تا چهارم هجری، نشان‌گر نظارت مستقیم و حساسیت طبقه حاکم بر نوع گزارش رسمی از رویداد جمع قرآن است. نظارتی که حداقل ۴۰۰ سال با اصرار و پیگیری دنبال شده و سبب نابودی تمام گزارش‌های غیر رسمی از سرنوشت مصاحف صحابه و تاریخ جمع قرآن شده است. تنها کتاب المصاحف ابن ابی داود سجستانی از میان کتب اختلاف المصاحف، باقی مانده است.

هنگامی که کتاب‌های دیگری نیز در قرن سوم و چهارم نوشته شده بود مانند: کتاب المصاحف ابن اشته اصفهانی (م ۳۶۰)؛ ابن مقسم (م ۳۶۲)؛ ابن الانباری (م ۳۲۷)... (ابن ندیم، بی تا، ص ۳۶) دلیلی برای نابودی همه این کتب نمی‌توان تصور کرد، جز این که از میان این کتب تنها کتابی که صلاحیت تأیید از جانب طبقه حاکم را داشته باقی مانده است. مانند: کتاب ابن ابی داود سجستانی و یا فضائل القرآن و باقی کتب، از بین رفته است. بنابراین ساخت‌گشایی از کتب منابع نخستین تاریخ قرآن، نشان‌گر تأثیر مستقیم انگیزه مورخ بر روایت تاریخ جمع قرآن است. چون تمامی روایات جمع قرآن به پنج نفری باز می‌گردد که تحت تأثیر مستقیم انگیزه‌های سیاسی و دینی قرار داشتند.

## ۲-۲. ساخت‌گشایی گونه دوم؛ پژوهش‌های مستشرقان

مستشرقان نیز غالباً با انگیزه انکار اصالت و اعتبار نص قرآن و با پیش‌فرض عدم وحی‌انیت قرآن، به مطالعه تاریخ قرآن پرداخته‌اند. مثلاً نولدکه که برای تضعیف اسلام (رضوان، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱؛ بهادلی، ۲۰۱۸م، ص ۲۵۲) ریسمان سفید و سیاه را به هم می‌بافد، تا دو نتیجه را به اثبات برساند:

**نخست:** در امکان وحی، خدشه کند و پیامبر اکرم (ص) را فردی متوهم و یا جن زده جلوه دهد (نولدکه، ۲۰۰۴م، ص ۵).

**دوم:** آنچه به عنوان نص قرآن کریم در دسترس است را متنی مخدوش و اقتباسی ناقص و نادرست از تورات و انجیل جلوه دهد (بهادلی، ۲۰۱۸م، ص ۲۶۸).

او در انتخاب روایات، تنها روایات ضعیف و غیر معتبری را انتخاب کرده که قرن‌ها پیش، همکارانش از یهودیان تازه مسلمان، برای تضعیف و تشکیک در حجیت سخن پیامبر اکرم (ص) و حقانیت قرآن، در قالب روایات اسرائیلی، بیان کرده بودند؛ روایاتی مانند افسانه غرانیق و داستان ورقه بن نوفل (عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ کورانی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۰۳؛ شرف الدین، ۱۳۸۹ق، ص ۱۰۱). او در مسأله جمع قرآن، بدون توجه به نصوص، قرائن و دلایل بسیاری که جمع قرآن را به صورت کامل و ما بین الدفتین، در زمان حیات رسول اکرم (ص) نشان می‌داد، تلاش کرد، جمع قرآن در زمان عثمان را اثبات کند.

برخی مستشرقان دیگر، زمان جمع قرآن را از این هم دیرتر دانسته‌اند. آلفونس مینگانا، بر این باور است قرآن در زمان حجاج جمع شده است (پارسا، ۱۳۹۰ش، ص ۸۰). برخی حتی بر این باورند، قرآن سال ۲۳۰ در زمان حکومت عباسی جمع شده است (رینولدز، ۲۰۱۲م، ص ۱۲۲). یکی از آسیب‌های مهم مطالعه نولدکه از تاریخ قرآن، آن است که تاریخ مربوط به پدیده‌های بشری است و پرسش از امکان وحی و کیفیت آن، در حیطه دانش تاریخ قرآن قرار ندارد، لیکن نولدکه این موضوع را نخستین بار در کتاب تاریخ قرآن به عنوان بحث ابتدائی، طرح کرده است (نولدکه، ۲۰۰۴م، ص ۲۰). طرح این موضوع در اثر وی با هدف ردّ وحیانی بودن قرآن رخ داده است و غالب قرآن پژوهان مسلمان بدون توجه به این موضوع، در کتب تاریخ قرآن، به جهت ردّ و پاسخ‌گویی به شبهات وحی، بحث از امکان وحی را نخستین بحث خود قرار داده‌اند (کردی، ۱۹۵۳م، ص ۱۲؛ علی صغیر، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱؛ رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۳۳؛ معرفت، ۱۴۲۸ق، ص ۷؛ رأفت سعید، ۲۰۰۲م، ص ۹؛ معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۳۷). در حالی که این موضوع، از مسائل تاریخ قرآن نیست و طرح آن در مطالعات تاریخ قرآن، وجهی ندارد.

بررسی آثار مستشرقان در موضوع تاریخ قرآن به روشنی نشان‌گر، نوع انتخاب روایات و تفسیری از روایات است به گونه‌ای که انگاره تحریف و عدم اصالت قرآن را به همراه داشته باشد. ایشان به گزاره‌هایی که این انگاره را برنتابد، اعتنایی نداشته‌اند.

### ۲-۳. ساخت‌گشایی گونه سوم؛ مطالعات معاصر شیعه و اهل سنت

گونه‌ای از مطالعات تاریخ قرآن در شیعه و اهل سنت که در پاسخ به شبهات مستشرقان نوشته شده است نیز، با رویکرد واساخت‌گرایی قابل نقد است:

۱. قرآن پژوهان معاصر شیعه و اهل سنت، در مطالعات تاریخ قرآن، به دنبال اثبات حجیت و علم‌آوری و تواتر قرآن کریم بوده‌اند. این موضوع، از قرن چهارم هجری و متأثر از اندیشه ابوحنیفه و تعالیم ارتدوکسی، همواره در مباحث مرتبط با تاریخ قرآن، به عنوان یک پیش‌فرض مطرح بوده است (سرخسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۲۷۹؛ برودی، ۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۸؛ زینب، ۲۰۱۵م، ص ۲۰؛ بدرالدین، ۲۰۱۸م، ص ۲۳) زیرا، در نگرش اصولی حنفی‌ها، قرآن را با «کتاب»، به عنوان منبع تشریح، مرادف و همسان دانسته‌اند.

یکی از آثار چنین پیش‌فرضی، آن است که مطالعه تاریخ قرآن به تاریخ کتابت قرآن منحصر شده است. مشکل مهمی که این همسان‌پنداری ایجاد می‌کند آن است که حجیت قرآن، متوقف



بر صحت جمع عثمانی می‌گردد ایشان در تعریف قرآن چنین گفته‌اند: «ان هذا القرآن هو المكتوب فی المصاحف تداول بین الناس» (میلادی، ۲۰۱۶، ص ۵۰)، در حالی که این تعریف کاملی برای قرآن نیست و قرآن افزون بر شکل مکتوب دارای شکل شفاهی است که مسلمانان در طول قرون آن را سینه به سینه نقل کرده‌اند.

یکی از محققان اهل سنت به این موضوع تذکر داده است ولی در بین محققان شیعه، کسی به این موضوع مهم و کلیدی توجه نکرده است. چنین پیش‌فرضی سبب انگیزه اثبات تواتر و صحت اقدام عثمان بن عفان در توحید مصاحف در بین محققان شیعه نیز شده است. این یک ایراد بنیانی و مانعی برای فهم صحیح و پدیدار شناسانه حقیقت تاریخی قرآن است. زیرا، بنیان علم تاریخ بر احتمال و عدم قطعیت است و هیچ‌گاه از گزاره‌های تاریخی، نمی‌توان توقع ایجاد یقین داشت (مکالا، ۱۳۹۵ش، ص ۲۰).

۲. همین پیش‌فرض لزوم تواتر و علم‌آوری کتاب، سبب شده برخی محققان شیعه، در یک موضوع تاریخی مانند: جمع قرآن از روش دانش اصول فقه در مبحث تعارض، استفاده کرده و روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر، عمر و عثمان را متناقض دانسته‌اند. چون در یک روایت گفته شده، قرآن را ابوبکر جمع کرده و دیگری عمر و دیگری عثمان را جامع قرآن معرفی شده است (یا انواع دیگری از تعارض متنی را در این روایات بیان کرده)، و در نتیجه قائل به تساقط شده‌اند و نتیجه گرفته‌اند، قرآن زمان پیامبر اکرم (ص) جمع شده است (خوئی، بی‌تا، ص ۲۴۸؛ ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۴۲-۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۱ش، ص ۳۴؛ علی‌صغیر، ۱۴۲۰ق، ص ۶۵). باید توجه داشت، نمی‌توان در یک موضوع که ماهیتی تاریخی دارد، از روش تعارض در احادیث فقهی که تکلیف مکلف را روشن می‌کند استفاده کرد.

در حالی که روایات جمع قرآن، روایات جعلی نیست، روایاتی است که به رخدادی مربوط به قرآن اشاره می‌کند. نمی‌توان به جای فهم دقیق ابعاد و ماهیت رخداد، آن را با ادله تعارض، از اعتبار ساقط دانست. زیرا این روایات جعلی نیست و در مورد رویدادی سخن می‌گوید که در تاریخ اسلام رخ داده و شواهد مختلف بر وقوع آن دلالت دارد.

۳. استفاده از روش تعارض اخبار، در یک موضوع تاریخی، روشی صحیح نیست. این روش، خروج از حدود و مرزهای دانش تاریخ است و تبدیل یک موضوع تاریخی، به یک موضوع حدیثی صرف است. در تاریخ روایی، اگر چه تاریخ، در قالب روایت ذکر می‌شود، ولی ماهیت

حدیثی یا فقهی ندارد و باید ماهیت تاریخی این موضوعات حفظ شود (رایبسون، ۱۳۹۲ش، ص ۱۷۳؛ سجادی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸۲؛ جعفریان، ۱۳۹۲ش، ص ۴۱).

اگرچه تاریخ مسلمانان در عراق، به صورت روایی، گزارش شده است و اگر چه علم حدیث و رجال می‌تواند در شناخت بهتر تاریخ اسلام و قرآن، مفید باشد (رایبسون، ۱۳۹۲ش، ص ۵۲) لیکن، نوع بیان تاریخ، ماهیت این دانش را تغییر نمی‌دهد و نمی‌توان با روشی علم الحدیثی، به تنهایی در موضوعی تاریخی، به یک بینش تاریخی منطبق با واقع دست یافت. متأسفانه، بسیاری از محققان شیعه، با همین روش، تمامی روایات جمع قرآن توسط خلفاء را فاقد اعتبار دانسته‌اند، حتی برخی، به بی‌اعتباری این روایات باور داشته‌اند و بحث جمع صحابه را به صورت کلی در آثار خود مطرح نکرده‌اند و اقدامات صحابه را در حد تجرید قرآن از علائم نگارشی دانسته‌اند (اصغرپور، ۱۳۹۹ش، ص ۱۵۴-۱۶۱).

۴. ساخت‌گشایی مطالعات تاریخ قرآن شیعه معاصر، نشان‌دهنده وجود پیش‌فرض‌ها و انگیزه‌هایی است که مانع پدیدارشناسی تاریخ قرآن می‌گردد. در صورتی که اگر مورخ، با رویکرد پدیدارشناسانه به روایات جمع بنگرد، وجود یک خط و مسیر کلی در نگرش دستگاه حاکم به قرآن کریم در سده‌های نخست برایش قابل ادراک است. در تاریخ روایی متقدم، مورخ، قادر به کشف جنبه‌های کلی رویدادها نیست و روایت بیانی جزئی دارد. در تاریخ روایی، مورخ، بر نقش افراد اصرار دارد و امکان فهم الگوهای کلی را ندارد (مانزلو، ۱۳۹۴ش، ص ۱۱۲). ولی انتظار است؛ مورخ تاریخ قرآن در دوره معاصر، بتواند این خطوط و سیاست‌های کلی را شناسایی کند.

بنابراین طبیعی است که مورخانی که در سده‌های نخست، مسأله جمع را روایت می‌کند، بر نقش ابوبکر، عمر و یا عثمان تأکید کند و مسأله جمع را امری فردی تبیین کند. در حالی که مورخ معاصر باید متوجه سیاست‌های کلی باشد. مسأله جمع قرآن به سیاست‌های کلی حاکم در سده نخست هجری، به ویژه موضوع کشورگشایی‌ها، تقسیم غنائم و احکام فقهی دست و پا گیر موجود در سنت نبوی در این زمینه مرتبط است و از مورخ معاصر، متوقع نیست که این اقدامات به ویژه جمع عثمان را، امری منحصر به فرد دانسته و نتواند، سیر و خط کلی موجود و روشن در این فرایندها را ادراک کند.

بسیاری از قرائن وجود دارد که تمامی جمع‌های منسوب به ابوبکر، عمر، عثمان و حجاج در واقع مراحل تکمیل یک پروژه بوده است. قرائنی مانند: الگوی مصحف حفصه برای جمع در

زمان عثمان (ابن ابی داود، ۲۰۰۲م، ص ۸۸) و تأکید حجاج بر تبعیت از مصحف عثمانی، (عینی، بی تا، ج ۱۰، ص ۹۰؛ نووی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۴۳). نقش مهم زید بن ثابت در جمع قرآن در زمان ابوبکر و عثمان، تجرید مصاحف از هر نوع روایت و نصوص تفسیری (عینی، بی تا، ج ۲۰، ص ۴۳)، عدم وجود تفاوت معتبر و قابل اعتنا در گزارش از این مصاحف.

۵. ایراد مهم دیگر در مطالعات تاریخ قرآن شیعه و اهل سنت معاصر، آن است که این تبیین‌های تاریخی، متأثر از پیش‌فرض‌های متکلمانه است. این موضوع در اثبات نخستین جامع قرآن، در مطالعات تاریخ قرآن شیعه و اهل سنت قابل مشاهده است. غالب مورخان تاریخ قرآن از اهل سنت، تلاش کرده‌اند. نخستین جامع قرآن را ابوبکر یا عثمان، معرفی کنند، زیرا جمع قرآن را فضیلتی برای ایشان برشمرده‌اند که مانع نابودی قرآن شده است (دراز، ۲۰۰۳م، ص ۳۸؛ محسین، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳۶؛ بدرالدین، ۲۰۱۸م، ص ۸۸؛ غانم بن قدوری، ۲۰۰۳م، ص ۸۱؛ قرقوتی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۲) برخی از شیعیان نیز تلاش کرده‌اند، این فضیلت را به از آن امام علی (ع) بدانند، ولی به تبیین ماهیت جمع امام علی (ع) از قرآن نپرداخته‌اند (عاملی، ۱۳۷۷ق، ص ۹۲؛ امیرخانی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۲؛ معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵۳، میرمحمدی زرنندی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۶؛ تقوی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۹؛ جلالی نائینی، ۱۳۶۵ش، ص ۸۷). اگرچه این موضوع در سده‌های نخست، به دلیل شایع بودن پدیده فضیلت‌نگاری در بین مورخان، قابل اغماض است (جعفریان، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۳) ولی ادامه چنین انگیزه‌ای در مطالعات معاصر، سزاوار نیست.

در نهایت به نظر می‌رسد، تلاش در جستجوی پدیدارشناسی حقیقت مفهوم جمع قرآن، در روایات جمع قرآن، کمتر مطمح نظر مورخان تاریخ قرآن اهل سنت و شیعه بوده است. به جای این‌که شناخت کیفیت و حقیقت پدیده جمع قرآن، مورد توجه قرآن پژوهان باشد، اثبات بینش‌ها و انگاره‌های متکلمانه در این آثار جلب توجه می‌کند.

### نتایج تحقیق

۱. نقد روشی یک از ضرورت‌های افزایش اعتبار اطلاعات در حوزه علوم و مطالعات تاریخ قرآن یک ضرورت انکارناپذیر است. نقد روشی مبتنی بر پیش‌فرض‌ها و انگیزه مورخ، با رویکرد واساخت‌گرایی، موضوعات مهمی در سه گونه مختلف مطالعات تاریخ قرآن را نشان می‌دهد.

گونه نخست: منابع متقدم تاریخ قرآن با پیش فرض‌هایی چون عدالت صحابه، عدم حجیت سنت نبوی، قرآن بسندگی و وجود انگیزه‌های سیاسی، تبیینی جانبدارانه از حقیقت تاریخی را ارائه کرده‌اند.

گونه دوم: مستشرقان با پیش فرض عدم و حیانت قرآن و با انگیزه رد اصالت و اعتبار قرآن، در پدیدارشناسی تاریخ قرآن ناکام مانده‌اند.

گونه سوم: پژوهان معاصر شیعه و اهل نیز، به خاطر پیش فرض اصل علم‌آوری خبر متواتر و یکی پنداشتن کتاب با قرآن و با انگیزه دفاع از حقانیت قرآن در برابر شبهات مستشرقان و گاه با پیش فرض افضلیت خلفاء ثلاثه و یا امام علی (ع) از مطالعه تاریخی پدیدار شناسانه روایات جمع قرآن بازمانده‌اند.

۲. روش‌شناسان دانش تاریخ، راه‌کارهایی را برای به حداقل رساندن تأثیر انگیزه مورخ بر تبیین تاریخی و بازساخت کتب تاریخ قرآن و دسترسی به برساختی جدید و منطبق از تاریخ ارائه کرده‌اند. مانند:

اولاً: مورخ تلاش کند، در هنگام گزارش از رویداد تاریخی، از تأثیر پیش فرض‌های کلامی یا سیاسی خود بر کیفیت و نوع گزارشش آگاه شده و از تأثیر آن بر نظریاتش، جلوگیری نماید. اگر چه این امر، به صورت کامل ممکن نیست، ولی می‌توان این تأثیر را کنترل کرد.

ثانیاً: مورخ، اعتبار نگرش تاریخی خود، را با تعداد شواهد و مستندات بیشتر، افزایش دهد، زیرا هر چه مستندات و شواهد، بر یک بینش تاریخی بیشتر باشد، قابلیت انطباق گزاره‌های تاریخی و احتمال صدق آن افزایش می‌یابد.

ثالثاً: نگره مورد ادعای مورخ، با روش‌های مختلف سنجیده شود، تا قابلیت تطبیق آن نگره با واقعیت تاریخی، افزایش یابد. روش مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای تاریخی، در افزایش، قطعیت نگره تاریخی مؤثر است. بنابراین در مطالعه تاریخ قرآن و بیان موضوعات مختلف باید به این مهم توجه شود. روشن است که در مطالعات تاریخ قرآن، افزون بر آن‌که اطلاع مؤرخان، از روش‌های مطالعه تاریخی و مهارت استفاده از آن، یک ضرورت است، لازم است گاه به مقتضای موضوعات و چالش‌های مختلفی که در تاریخ قرآن وجود دارد، از روش‌های ترکیبی مطالعه تاریخی استفاده شود و یا حتی، مورخ، با طرح مبانی علمی، روش جدیدی در مطالعه تاریخی را ابداع نماید.

رابعاً: مورخان با رویکرد و اساخت‌گرایانه و ساخت‌گشا از پیش‌فرض‌ها و انگیزه‌های نویسندگان متقدم، اقدام به مطالعه منابع تاریخ قرآن نمایند. در جستجوی ساختارهای جدید و توجه به روش‌های مطالعه فرهنگی، اقدام به بازساخت تاریخ قرآن نمایند و در جستجوی شواهد جدید و معتبر، تلاش نمایند.

### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

- ابن ابی داود، عبدالله بن سلیمان، (۲۰۰۲م)، *المصاحف*، قاهره: الفاروق.
- ابن جزری، شمس‌الدین، (بی‌تا)، *النشر فی القراءات العشر*، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
- ابن حبان بستى، محمد بن أحمد، (۱۹۷۵م)، *الثقات*، بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۰ق)، *طبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۳۹۸ق)، *جامع البیان و فضله*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عساکر، محمد بن سعد، (۱۴۱۵ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.
- ابن کثیر، عبدالله بن کثیر، (۱۴۱۲ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالمعرفه.
- احمد بن فارس، (۲۰۰۶م)، *جهود الامام ابو عبید قاسم بن سلام فی علوم القراءه*، بیروت: دار ابن حزم.
- استرآبادی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ق)، *منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال*، قم: مؤسسه آل بیت (ع).
- استنفورد، مایکل، (۱۳۸۶ش)، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه صادقی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- امیرخانی، علی، (۱۳۸۹ش)، *تاریخ تدوین قرآن*، قم: مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات.
- ایازی، سید محمد علی، (۱۳۷۸ش)، *کاوشی در تاریخ جمع قرآن*، قم: کتاب بین.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، *الجامع الصحیح*، بیروت: دارالفکر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۳۹۶ق)، *الضعفاء الصغیر*، حلب: دار الوعی،
- بدرالدین، محمد حسن، (۲۰۱۸م)، *من الوحی الی المصحف*، بیروت: مکتبه العربیه.
- بزودی، ابوالحسن فخرالاسلام، (۱۹۹۱م)، *اصول بزودی*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- بلک، جرمی، رایلد، دونالد، (۱۳۹۰ش)، *مطالعه تاریخ*، ترجمه دکتر محمدتقی ایمان‌پور، مشهد: دانشگاه فردوسی.

- بهادلی، عبدالرضا، (۲۰۱۸م)، *بحوث فی تاریخ القرآن*، بصره: مکتبه الامام الهادی (ع).
- پارسا، فروغ، (۱۳۹۰ش)، *خاورشناسان و تدوین قرآن کریم*، تهران: پژوهشگاه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارسانیا، حمید، (۱۳۹۲ش)، «روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۲۳، ص ۷-۲۸.
- پژوهشکده تاریخ اسلام، (۱۳۹۳ش)، *گفتارهایی در باب تاریخ نگاری و روش‌شناسی تاریخی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- جرجانی، عبدالله بن عدی، (۱۴۰۹ق)، *الکامل*، بیروت: دارالفکر.
- جسوس، عزالدین، (۱۴۱۶ق)، «سیاسة عمر بن العزیز»، *الاجتهاد*، ش ۲۸، صص ۱۵-۵۰.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۲ش)، *منابع تاریخ اسلام*، تهران: نشر علم.
- جلالی نائینی، سید محمدرضا، (۱۳۶۵ش)، *تاریخ جمع قرآن کریم*، مشهد: نشر نقره.
- حکیمی، محمدرضا، (۱۳۹۴ش)، *القرآن علومه و تاریخه*، کویت: بی‌نا.
- حلبی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۰ق)، *السیره الحلبیه*، بیروت: دارالمعرفه.
- حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۱۷ق)، *تقریب المعارف*، قم: المحقق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خلیلی، حسن، (۱۳۹۲ش)، *بررسی تاریخ نگارش قرآن*، قم: دلیل ما.
- خوئی، ابوالقاسم، (بی‌تا)، *البيان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه احیاء تراث آیه الله خوئی.
- درآز، محمد عبدالله، (۲۰۰۳م)، *مدخل الی القرآن الکریم*، قاهره: دارالقلم.
- درودی، فریبرز، (۱۳۹۳ش)، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، *نشریه نقد*، ش ۳ و ۴، صص ۲۳۱-۲۳۴.
- دروش، فرانسوا، (۱۳۹۴ش)، *قرآن‌های عصر اموی*، ترجمه کریمی‌نیا، تهران: هرمس.
- دقاق، عبدالله علی احمد، (۲۰۰۸م)، *حقیقه مصحف امام علی (ع)*، قم: دلیل ما.
- ذهبی، شمس‌الدین، (۱۴۱۳ق)، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- راینسون، اف، چیس، (۱۳۹۲ش)، *تاریخ نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الویری، تهران: سمت.
- رأفت سعید محمد، (۲۰۰۲م)، *تاریخ نزول القرآن*، منصوره: دارالوفاء.

- رامیار، محمود، (۱۳۶۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رجبی قدسی، محسن، (۱۳۹۸ش)، *تاریخ کتابت قرآن و قراءات*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رحمتی، محمد کاظم، (۱۳۹۰ش)، *متون و پژوهش‌های تاریخی*، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- رضوان، عمر ابراهیم، (۱۴۱۳ق)، *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم*، ریاض: دارالطیبه.
- رضوی، سیدابوالفضل، (۱۴۰۰ش)، «تاریخ‌شناسی از بازساخت تا واساخت»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون*: ش ۹۵، صص ۲۹-۵۳.
- رینولدز، گابریل سعید، (۲۰۱۲م)، *القرآن فی محیطه التاریخی*، بیروت: منشورات الجمل.
- زکی زاده، علی‌رضا، (۱۳۹۸ش)، *زید بن ثابت و نقش او در تاریخ نگارش قرآن کریم*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- زین العابدینی، رمضان، (۱۳۸۸ش)، *تاریخ نگاران و مکتب‌های تاریخ نگاری در اسلام*، تهران: انتشارات چاپخش.
- زینب، عبدالسلام، (۲۰۱۵م)، *النص القرآنی و الاحرف السبعه، دراسة فی تاریخ القرآن الکریم*، طنطا: دارالکلمة.
- سجستانی، ابوداود، (۱۴۱۰ق)، *السنن ابی داود*، بیروت: دارالفکر.
- سرخسی، محمد بن احمد، (۱۳۷۲ق)، *اصول سرخسی*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۸ق)، *الانساب*، بیروت: دارالجنان.
- شاهین، عبدالصبور، (۱۳۸۲ش)، *تاریخ قرآن*، ترجمه حیدری، مشهد: به‌نشر.
- شبستری، عبدالحسین، (۱۴۱۸ق)، *الفائق فی رواء واصحاب الامام الصادق (ع)*، قم: جامعه مدرسین.
- شرباصی، احمد، (۱۳۷۴ق)، «عمر بن عبدالعزیز»، *نشریه الازهر*: ش ۲۶، صص ۶۶۹-۶۷۵.
- شرف‌الدین، عبدالحسین، (۱۳۸۹ش)، ابوهریره، قم: مؤسسه انصاریان.
- شفیعی خوزانی، سعید، (۱۳۹۸)، «جریان‌شناسی مطالعات تاریخ قرآن در غرب با رویکرد انتقادی به جریان شکاکیت نوین»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*: ش ۱، صص ۶۹-۹۳.
- شکوری، ابوالفضل، (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ نگری و تاریخ نگاری در مسلمانان*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شوشتری، محمدتقی، (۱۴۱۰ق)، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.



- صالح عطیه، محمد، (۲۰۰۱م)، *رسم المصحف*، طرابلس: جمعیہ الدعوة الاسلامیہ.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، قم: مکتبۃ المرعشی.
- صفدی، خلیل، (۱۴۲۰ق) *الوافی بالوفیات*، بیروت: دار احیاء التراث.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۱ش)، *تاریخ قرآن*، ترجمہ دین پرور، تہران: نشر فرهنگ قرآن.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳ق)، *رجال الطوسی*، قم: جامعہ مدرسین.
- عالم زاده، ہادی و سجادی، سید صادق، (۱۳۸۶ش)، *تاریخ نگاری در اسلام*، تہران: سمت.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۵ق)، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)*، بیروت: دارالہادی.
- عاملی، مرتضی، (۱۳۷۷ش)، *حقائق پیرامون قرآن کریم*، قم: جامعہ مدرسین.
- عتر، نورالدین، (۱۹۲۶م)، *علوم القرآن الکریم*، دمشق: الصباح.
- عسکری، مرتضی، (۱۴۱۶ق)، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، تہران: مجمع الاسلامی.
- عسکری، مرتضی، (۱۴۱۰ق)، *معالم المدرستین*، بیروت: مؤسسہ النعمان.
- علامہ حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۲ق)، *رجال العلامة الحلی*، قم: شریف رضی.
- علوی علی آبادی، فاطمہ، (۱۴۰۱ش)، «مطالعه ساختارگرایانہ اندیشہ انحرافی قرآن بسندگی در رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان»، *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، ش ۲۳، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- علوی علی آبادی، فاطمہ، (۱۴۰۱ق)، «واکاوی تأثیر قاعدہ رجالی «الصحابہ کلہم عدول» بر فتنہ انگاری قتل عثمان»، *پژوهشنامہ کلام اسلامی*، ش ۱۷، صص ۳۳-۷۰.
- علی صغیر، محمد، (۱۴۲۰ق)، *تاریخ القرآن*، بیروت: مؤسسہ الدراسات.
- عینی، محمود بن احمد، (بی تا)، *عمدۃ القاری*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- غانم بن قدروی، حمد، (۲۰۰۳م)، *رسم المصحف*، بغداد: اللجنۃ الوطنیۃ.
- غیب ہرساوی، حسین، (۱۴۲۲ق)، «خادم الامویین، محمد بن شہاب زہری»، *الفکر الاسلامی*: ش ۲۷، صص ۱۷۹-۲۳۰.
- قرقوتی، حنان، (۱۴۲۷ق)، *حول تدوین القرآن الکریم و السنۃ الشریفۃ و نظام الحکم*، بیروت: الموسسہ الجامعیہ.
- قفطی، علی بن یوسف، (۱۴۰۶ق)، *إنباه الرواہ علی أنباه النحاه*، قاہرہ: دارالفکر العربی.
- کردی، محمد طاہر بن عبدالقادر، (۱۹۵۳م)، *تاریخ القرآن و غرائب رسمه*، مصر: مکتبۃ الحلبي.



- کورانی، علی، (۱۴۱۸ق)، *تدوین القرآن*، قم: دارالقرآن الکریم.
- لورنس، کریس، (۱۳۹۹ش)، *برساخت گذشته درآمدی بر نظریه تاریخ*، ترجمه ماریا ناصر، تهران: سمت.
- مامقانی، عبدالله، (۱۴۳۱ق)، *تنقیح المقال*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- مانزلو، آلن، (۱۳۹۴ش)، *واساخت تاریخ*، ترجمه حمید مرادی سده، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- محمدی، محمد حسین، (۱۳۸۵ش)، *تاریخ قرآن*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- محیسن، محمد سالم، (۱۴۰۰ق)، *فی رحاب القرآن الکریم*، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
- مدرسی طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۰ش)، «ستیزه‌های دیرین درباره تحریف قرآن»، *هفت آسمان*: ش ۱۱، صص ۴۱-۷۸.
- معارف، مجید، (۱۳۸۳ش)، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، تهران: انتشارات نیا.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۸ق)، *صیانه القرآن عن التحریف*، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- مکالا، سی، بی، (۱۳۹۵ش)، *بنیادهای علم تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- موتسکی، هارالد، (۱۳۸۶ش)، «جمع قرآن»، *علوم حدیث*: ش ۴۴، صص ۹۷-۱۲۶.
- مهرابی، محمد، (۱۳۹۷ش)، *تأملاتی در تاریخ پژوهی*، قم: نشر ادیان.
- میرزای نوری، حسین، (بی تا)، *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الاریاب*، چاپ سنگی، بی جا: بی نا.
- میرمحمد زرنندی، ابوالفضل، (۱۴۲۰ق)، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- میلاادی، ریاض، (۲۰۱۶م)، *الکتاب اصلا من اصول التشریح*، بیروت: ناشران مؤمنون بلاحدود.
- ناصح، محمد، (۱۳۹۵ش)، «نقش زهری در روایات جمع قرآن»، *حدیث پژوهی*: ش ۸۶، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- نبوی رضوی، (۱۳۹۹ش)، «میرزا حسین نوری»، *نشریه بهائی شناسی*: ش ۱۶، صص ۱۴۰-۱۹۹.
- نجار، عبدالامیر، (۲۰۱۳م)، *موجز تاریخ القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نजारادگان، فتح الله، (۱۴۲۴ق)، *سلامة القرآن من التحریف*، تهران: نشر مشعر.
- نمازی شاهرودی، شیخ علی، (۱۴۱۹ق)، *مستدرک سفینه البحار*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نولدکه، تئودور، (۲۰۰۴م)، *تاریخ القرآن*، بیروت: مؤسسه کونراد.
- نوی، یحیی بن شرف، (۱۴۰۷ق)، *شرح صحیح مسلم*، بیروت: دارالکتاب.

هدایت پناه، محمدرضا، (۱۳۸۸ش)، *بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس*، قم: الهادی.

یثربی، یحیی، (۱۳۸۳ش)، «نقد ضرورت یا ارزش»، *نشریه کتاب نقد*: ش ۳۳، صص ۲۶۹-۲۸۷.

### **Bibliography:**

The Holy Qur'an.

Al-Ayni, Mahmoud bin Ahmad, (N.d.), *omdah al-Qari*, Beirut: Dar Ehya Al-Turath al-Arabi.

Alavi Aliabadi, Fatemeh, (۱۴۰۱AH), analysis of the effect of the rule of men "Al-Sahaba Kalham Adul "on the conspiracy of murdering Uthman, *Islamic Kalam Research Journal*: Vol. ۱۷, pp. ۳۳-۷۰.

Alavi Aliabadi, Fatemeh, (۱۴۰۱AH), a structuralist study of the deviant thought of the Qur'an in the historical event of the murder of Uthman bin Affan, *Historical Studies of the Islamic World*: Vol. ۲۳, pp. ۱۴۹-۱۷۲.

Alemzadeh, Hadi and Sajjadi, Seyyed Sadegh, (۲۰۰۷AD), *Historiography in Islam*, Tehran: Samt.

Ali Saghir, Muhammad, (۱۴۲۰AH), *History of the Qur'an*, Beirut: Institute of Studies.

al-Khoei, Abu al-Qasim, (N.D.), *Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: The Center for the Revival of Islamic Heritage

Allameh Helli, Hasan bin Yusuf, (۱۴۰۲AH), *Rijal al-Allameh al-Helli*, Qom: Sharif Razi.

Al-Samani, Abdul Karim Bin Muhammad, (۱۴۰۸AH), *Al-Ansab*, Beirut: Dar al-Janani.

Ameli, Jafar Morteza, (۱۴۱۰AH), *Al-Sahih Men Al-Sirah al-Nabi al-Azam* (PBUH), Beirut: Dar al-Hadi.

Ameli, Morteza, (۱۹۹۸ AD), *Facts about the Holy Qur'an*, Qom: Jamia Modaresin.

Amirkhani, Ali, (۲۰۱۰ AD), *The History of Qur'an Compilation*, Qom: The National Center for Answering Religious Questions, ara' almustashriqin hawl alquran, Riyadh: Dar al-Taiba.

Askari, Morteza, (۱۴۱۰A.H.), *Ma'alem al-Madresatain*, Beirut: Al-Nu'man Institute.

- Askari, Morteza, ( ۱۴۱۶ A.H.), al-quran al-kraim wa rewayat al-madresatin , Tehran: Majma al-Islami.
- Astrabadi, Muhammad bin Ali, ( ۱۴۲۲ AH), Muntaha l-maqal fi ahwal al-rijal , Qom: Al-Bayt School(S.H.)
- Attar, Noor al-Din, ( ۱۹۲۶ AD), oluom al-quran al-kraym , Damascus: Al-Sabah.
- Ayazi, Seyed Muhammad Ali. , ( ۱۹۹۹ AD), an exploration of the history of the collection of the Qur'an, Qom: Kitab Bin.
- Badr al-Din, Muhammad Hassan, ( ۲۰۱۸ AD), Men al-Wahi Ela Al-Mushaf, Beirut: Maktabah al-Arabiya.
- Bahadeli, Abdul Reza, ( ۲۰۱۸ AD), buhuth fi tarikh al quran, Basra: School of Imam Al-Hadi) a.s.).
- Bazoudi, Abd Al-hassan, Fakhr al-Islam, ( ۱۹۹۱ AD), Usuol Bazoudi, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- bin Faris, Ahmad bin Faris, ( ۲۰۰۶ AD), Abu Ubaid al-Qasim ibn Sallam, fi Oluom alquraa'ih , Beirut: Dar Ibn Hazm.
- Black, Jeremy, Rylid, Donald, ( ۲۰۱۱ AD), Mohammad T Imanpour, Ferdowsi University of Mashhad, History Department , Studies Ancient History
- Daqaq, Abdullah Ali Ahmad, ( ۲۰۰۸ AD), Haqiqah Mushaf of Imam Ali (AS), Qom: Dalil ma.
- Darosh, Francois, ( ۲۰۱۵ AD), Umayyad Eraly Qurans , translated by Kariminia, Tehran: Hermes.
- Darroudi, Fariborz , ( ۲۰۱۴ AD), an introduction to the types of criticism and its functions, Naqd magazine: Vol. ۳ and ۴, pp. ۲۳۱-۲۳۴
- Ghaib Harsawi, Hossein, ( ۱۴۲۲ AH), Khadim al-oMawayyin, Muhammad bin Shahab Zohri, Al-Fekr al-Islami: Vol. ۲۷, pp. ۱۷۹-۲۳۰
- Ghanem bin Qaduori, Hamad, ( ۲۰۰۳ AD), Rasm al-Moshaf, Baghdad: al-Makhri al-Wataniyyah.
- Hakimi, Mohammad Reza, ( ۲۰۱۵ AD), alquran oluom wa tarikhoh , Kuwait: Bina.
- Halabi, Abu al-Salah, ( ۱۴۱۷ A.H.), Al-Karam Al-Maarif, Qom: Al-Muhaqq.
- Halabi, Ali Ibn Ibrahim, ( ۱۴۰۰ AH), Al-Sirah al-Halabiyyah, Beirut: Daral al-Marefa.
- Hedayat Panah, Mohammad Reza, ( ۲۰۰۹ AD), Reflection of Ottoman Thought in the Karbala Incident, Qom: Research Institute of Hawzah and University(RIHU)
- Helali, Salim bin Qays, ( ۱۴۰۵ AH), the book of Salim bin Qays, Qom: Al-Hadi.

- Hosseinizadeh, Seyyed Abdul Rasul, ( ۲۰۱۳AD), Collection of the Qur'an and its divisions, Islamic Propaganda Office of the Qom Seminary.
- Ibn Abd al-Barr, Yusuf bin Abdallah, ( ۱۳۹۸AH), Jami' Bayan al-'Ilm wa-Fadlih (Resalah) , Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya.
- Ibn Abi Dawud, Abdullah bin Suleiman, ( ۲۰۰۲AD), al-Masahif, Cairo: Al-Farooq.
- Ibn al-Jazari , Shams al-Din, (N.D.), alnashr fi alqira'at aleashr , Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya
- Ibn Asaker , Muhammad bin Saad, ( ۱۴۱۰AH), Rarikh madineh Dameshgh, Beirut: Dar Sadir.
- ibn Habbān, Muḥammad ibn Habbān al-Bastī , Muhammad bin Ahmad, ( ۱۹۷۰AD), Al-Theqat, Beirut: Dar al-Fakr
- Ibn Kathir, Abdullah ibn Kathir, ( ۱۴۱۲A.H.), Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut: Dar al-Marefa.
- Ibn Saad, Muhammad Ibn Saad, ( ۱۴۱۰AH), Tabaqat al-Kubra, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Jafarian, Rasul, ( ۲۰۱۳AD), Sources of Islamic History, Tehran: Alam Nashr.
- Jesous, Ezzuddin, ( ۱۴۱۶AH), suyasat Umar ibn Abd al-Aziz the policy of Umar bin Al-Aziz, Al-Ijtihad: No. ۲۸, pp. ۱۰-۵۰.
- Jorjani, Abdullah bin odai, ( ۱۴۰۹AH), al-Kamel, Beirut: Dar al-Fikr.
- Khalili, Hassan, ( ۲۰۱۳AD), review of the history of the writing of the Qur'an, Qom: Dalil ma.
- Khatib al-Baghdadi, Ahmed bin Ali, ( ۱۴۱۷AH), History of Baghdad, Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiya
- Korani, Ali, ( ۱۴۱۸ AH), Compilation of the Qur'an, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Kurdi, Muhammad Tahir bin Abd al-Qadir, ( ۱۹۰۳AD), Tarikh al-Qur'an and Gharib Rasma, Egypt: Al-Halabi School.
- Lawrence, Crites, ( ۲۰۲۰AD), The construction of the past is an introduction to the theory of history, translated by Maria Nasser, Tehran: Samt.
- Ma'arif, Majid, ( ۲۰۰۴ AD), An Introduction to the History of the Qur'an, Tehran: Nabanashr.
- Makala, C., B., Yen, ( ۲۰۱۶AD), Foundations of History, translated by Ahmed Golmohammadi, Tehran: Nei Publications .
- Mamqani, Abdullah, ( ۱۴۳۱AH), Tanqih Al-Maqal, Qom: Al-Al-Bayt Institute (AS).
- Manzlo, Alan, ( ۲۰۰۰ AD), structuralism of History, translated by Hamid Moradi Sadeh, Tehran: Research Institute of Islamic History.

- Marefat, Mohammad Hadi, ( ۱۴۲۸AH), Siyanah al-Qur'an an al-Tahrif, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Mehrabi, Mohammad, ( ۲۰۱۸AD), Reflections on historical research, Qom: Edian Publishing House.
- Milady, Riyad, ( ۲۰۱۶ AD), Al-Katab Asla Man Usul al-Tashree, Beirut:nashirun muminun bilahdud
- Mir Mohammad Zarandi, Abul Fazl, ( ۱۴۲۰A.H.), buhuth fay tariykh alquran w eulumuh , Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Mirzai Nouri, Hossein, (N.D.), Fasl Al-Khitab Fi Tahrif Kitab Rabb Al-Arbbab
- Modarresi Tabatabai, Mohammad Hossein, ( ۲۰۰۱AD), Long-standing disputes about the distortion of the Qur'an, translated by Rahmati, Haft Asman: Vol. ۱۱, pp. - ۴۱
- Mohammadi, Mohammad Hossein, ( ۲۰۰۶AD), History of the Qur'an, Qom: World Center for Islamic Sciences.
- Muhaisen, Muhammad Salem, ( ۱۴۰۰A.H.), Fi Rahab al-Qur'an al-Karim, Cairo: Al-Azhariya Al-Alkaliyat School.
- Muhammad Abdullah Draz , ( ۲۰۰۳ AD), madkhal' iilaa alquran alkraym , Cairo: Dar al-Qalam.
- Muhammad Ibn Ismaiel al-Bukhari , ( ۱۴۰۱AH),Al-Jamae al-Musnad al-Sahih,Beirut: Dar al-Fikr
- Muhammad Ibn Ismail al-Bukhari, ( ۱۳۹۶AH), al-zoafa' al-saghir, Aleppo :Dahr al-Wahsh
- Nabavi Razavi, ( ۲۰۲۰ AD), Mirza Hossein Nouri, Baha'i Journal: No. ۱۶, pp. ۱۴۰-۱۹۹
- Najarzadegan, Fathullah, ( ۱۴۲۴AH), Salama al-Qur'an Man al-Tahrif, Tehran: Mashaar Publishing House.
- Najjar, Abdul Amir, ( ۲۰۱۳AD), Summary of the History of the Qur'an, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Namazi Shahroudi, Sheikh Ali, ( ۱۴۱۹AH), Mustadrak Safina Al-Bahar, Qom: Islamic Publishing House.
- Naseh, Muhammad, ( ۲۰۱۶ AD), The Role of Zohri in the Narratives of the Qur'an, Hadith Research: Vol. ۸۶, pp. ۱۶۷-۱۹۰
- Nawi, Yahya bin Sharaf, ( ۱۴۰۷AH), Sahih Sahih Muslim, Beirut: Darul Kitab.
- Noldeke, Theodore, ( ۲۰۰۴AD), History of the Qur'an, Beirut: Conrad Institute.
- Parsa, Forough, ( ۲۰۱۱ AD), Orientalists and the Compilation of the Holy Quran, Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Centers.

- Parsania, Hamid, ( ۲۰۱۳AD), the fundamental methodology of the development of scientific theories, Cultural Strategy: Vol. ۲۳, pp. ۲۸-۷
- Qafti, Ali bin Yusuf, ( ۱۴۰۶AH), Inbah al-Rawat Ali Anbah al-Nahah, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Qarqouti, Hanan, ( ۱۴۲۷AH), hawl taduyn alquran alkraym w alsunat alsharyfat w nizam alhakma, , Beirut: Al-Mussa al-Jaamiyeh.
- Rafat, Saeed Mohammad, ( ۲۰۰۲AD), History of the Revelation of the Qur'an, Mansoura: Darulfa.
- Rahmati, Mohammad Kazem, ( ۲۰۱۱AD), historical texts and researches, Tehran: Islamic Council Publications.
- Rajabi Qudsi, Mohsen, ( ۲۰۱۹AD), History of Qur'an Writing and Readings, Tehran: Research Institute of Hawzah and University (RIHU)
- Ramyar, Mahmoud, ( ۱۹۸۰AD), History of the Qur'an, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Razavi, Seyyedaboulfazl, ( ۱۴۰۰SH), Historiography from Reconstruction to structural , Critical Research Paper of Texts: No. ۹۵, pp. ۲۹-۵۳
- Research Institute for Islamic History, ( ۲۰۱۴), discourses on historiography and historical methodology, Tehran: Research Institute for Islamic History.
- Reynolds, Gabriel Saeed, ( ۲۰۱۲AD), Al-Qur'an fi muhyt altaarykhyin , Beirut: Manshurat al-Jamal
- Robinson, F, Chase, ( ۲۰۱۲AD), Islamic Historiography, translated by Mohsen Alviri, Tehran: Samt.
- Safadi, Khalil, ( ۱۴۲۰ A.H.) Al-Wafi Balofyat, Beirut: Dar Ihya Al-Tarath.
- Saffar, Muhammad bin Hasan\_, ( ۱۴۰۴AH), Basaer al-Darajat, Qom: Al-Marashi School.
- Sajestani, Abu Dawoud, ( ۱۴۱۰AH), Al-Sunan Abi Dawoud, Beirut: Dar al-Fikr.
- Saleh Atiyeh, Muhammad, ( ۲۰۰۱AD), Rasm al-Musaf, Tripoli: Jamia Dawa al-Islamiyya.
- Sarkhsi, Muhammad bin Ahmad, ( ۱۳۷۲AH), Usul Sarkhsi, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Seyed Mohammad Reza Jalali Naeini , ( ۱۹۸۶AD), History of the Holy Qur'an, Mashhad: Nashre-Noghre
- Shabestri, Abdul Hossein, ( ۱۴۱۸AH), alfaiyq fay ruat w asihab Imam Al-Sadiq (AS), Society of Seminary Teachers of Qom
- Shafiee Khuozani, Saeed, ( ۱۳۹۸SH) Jarayan Shenasi Motaleat Gharb (Ba Ruoykad be Shakiyat Novin, Pajuohesh haye Quran Va Hadith, N ۱, PP ۶۹-۹۳

- Shahin, Abdul Sabour, ( ۲۰۰۳AD), History of the Qur'an, translated by Heydari, Mashhad: Be nashr
- Shakuri, Abulfazl, ( ۲۰۱۱AD), an introduction to historiography and historiography in Muslims, Islamic Propaganda Office Of Qom
- Sharafuddin, Abdul Hossein, ( ۲۰۱۰AD), Abu Hurairah, Qom: Ansarian Institute.
- Sharbasi, Ahmad, ( ۱۹۸۵AD), Umar bin Abdul Aziz, Al-Azhar Publication: No. ۲۶, pp.. ۶۶۹-۶۷۵
- Shuoshtari, Muhammad Taqi, ( ۱۴۱۰AH), Qamus al-RijalAl-Rajal Dictionary, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Stanford, Michael, (۲۰۰۷AD), an introduction to historical research, translated by Sadeghi, Tehran: Imam Sadegh University.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, ( ۱۹۸۲AD), History of the Qur'an, translated by Din-Parvar, Tehran: Nashre-Farhang Qur'an
- Tousi, Muhammad bin Hassan, ( ۱۳۷۳AH), Rijal al-Tousi, Qom: Jamia Modaresin
- Yatharbi, Yahya, ( ۲۰۱۴AD), Criticism of Necessity or Value, Book Criticism: Volume ۳۳, pp. ۲۶۹-۲۸۷
- Zahabi, Shams al-Din, ( ۱۴۱۳A.H.), seyar Al-Alam al\_nuobala , Beirut: Al-Risala foudation.
- Zain al-Abidini, Ramadan, ( ۲۰۰۹AD), Historians and Schools of Historiography in Islam, Tehran: Chapakhsh Publications.
- Zainab, Abd Al- Salam, ( ۲۰۱۵AD), al nass al quraniu w al ahrof al saheb ,dirasat fay tarykh alquran alkraym Tanta: Dar al-Kalma.
- Zaki zadeh, Ali Reza, (۲۰۱۹ AD), Zayd bin Thabit and his role in the history of the writing of the Holy Quran, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation.